

بررسی رابطه وابستگی به فضای مجازی با طلاق عاطفی در زنان دچار تعارض زناشویی در شهر خمین

نسترن نورعلی زاده

کارشناسی ارشد، رشته مشاوره، گرایش خانواده، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمین
 nastarannoralizadeh@gmail.com

چکیده

هدف این پژوهش بررسی رابطه وابستگی به فضای مجازی با طلاق عاطفی در زنان دچار تعارض زناشویی در شهر خمین بود لذا پژوهش حاضر از نظر هدف، در زمره تحقیقات کاربردی قرار دارد. از لحاظ ماهیت توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش کلیه زنان دارای تعارض زناشویی و مشکلات عاطفی مراجعه کننده به مشاوره در شهر خمین در سال ۱۴۰۲ بود. حجم نمونه در این پژوهش در رگرسیون با روش گرین، تعداد ۱۱۰ تن انتخاب شد. ابزارهای این پژوهش پرسشنامه استاندارد طلاق عاطفی رزاقی (۱۳۸۶)، مقیاس وابستگی به فضای مجازی یانگ بود. به منظور بررسی فرضیه های پژوهش از آزمون تحلیل رگرسیون خطی تک متغیره استفاده شد. نتایج نشان داد افراد خانواده به جای ارتباط با یکدیگر، با ابزارهای الکترونیکی ارتباط برقرار کرده، ارتباطی که بار عاطفی، احساسی و هیجانی ندارد که این روند در طولانی مدت به طلاق عاطفی منجر می شود.

واژگان کلیدی: طلاق عاطفی، وابستگی به فضای مجازی، تعارض زناشویی

۱- مقدمه

خانواده از دیرپاترین و مهمترین نهادهای جامعه پذیری و آماده کردن نسل جدید برای زندگی در جامعه است. خانواده با ازدواج پا می گیرد اما ای بسا با طلاق فرو پاشد. از این رو عموماً سنتها در جوامع مختلف بر حفظ و تداوم خانواده تأکید می ورزند و طلاق را سخت نکوهش می کنند (نایبی و نظریان، ۱۴۰۰).

خانواده اولین پایه گذار شخصیت و ارزشها و معیارهای فکری کودک است و نقش مهمی در تعیین سرنوشت و سبک و خط مشی زندگی آینده او دارد. واکنش کودک نسبت به محیط خود به طبع تحت تأثیر موازین اجتماعی و فرهنگی گروهی است که در میان آن بزرگ شده است. خانواده یکی از اساسی ترین نهادهای اجتماعی می باشد. به همین دلیل هرگونه اختلالی در خانواده بوجود آید نه تنها تأثیر مخربی در روحیه کودک و رشد عاطفی او دارد، بلکه موجبات انحراف وی را از قوانین و مقررات پسندیده جامعه را نیز فراهم می آورد. بنابراین پدران و مادران کودکان و روابط آنها و همچنین محیط خانواده بیش از سایرین در ساخت شخصیت فرزندان مؤثر است (صادق خانی و صلاحی، ۱۳۹۵).

نیاز به برقراری و حفظ پیوند و روابط نزدیک با دیگران به عنوان انگیزه اساسی و بنیادی بشر قلمداد می شود (شریفی رهنمو و همکاران، ۱۴۰۰). اما، این احساس مثبت در بسیاری از موارد دستخوش تغییرات مختلفی می شود که نتایج عمده ای برجای می گذارد. یکی از مهمترین این نتایج، تعارض زناشویی است. تعارض زناشویی ناشی از عدم هماهنگی زن و شوهر در نوع نیازها و روشهای آن، خودمحوری،

اختلاف در خواسته‌ها، طرح‌های رفتاری و رفتارهای غیرمسئولانه نسبت به ارتباط زناشویی و ازدواج است (یانگ و همکاران؛ ۲۰۱۶). تعارض زناشویی فقط اختلاف نظر نیست، بلکه مجموعه‌ای از اتفاقات است که به خوبی مدیریت نشده‌اند و عمیقاً به رابطه زناشویی آسیب وارد می‌کنند. همچنین تعارض زناشویی را می‌توان به عنوان حالت تنش یا استرس بین زوجین تعریف کرد (ماهونی و همکاران، ۲۰۲۱). این تعارضات زمانی رخ می‌دهند که زوجین اختلالی در ایفای نقش‌های خود پیدا کنند و این اختلال باعث تنش در رابطه می‌شود. در این مرحله تعارض زناشویی به حدی افزایش یافته است که لجبازی، غرور، عصبانیت، رنجش و تلخی مانع از برقراری ارتباط مؤثر زناشویی می‌شود (ژو و بیوهلر، ۲۰۱۹). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که با افزایش تعارض و تضاد در روابط میان زوجین، ناسازگاری‌ها افزایش یافته و در نتیجه نارضایتی‌های بیشتری ایجاد می‌گردد و این مسائل از مقدمات طلاق به حساب می‌آیند (علی و همکاران؛ ۲۰۲۲). فرآیند طلاق در بیشتر اوقات با اختلاف‌های جزئی، تکرار اختلاف‌های جزئی و جدی شدن این اختلاف‌ها در زوجین شروع می‌شود و با جدایی یا بی‌میلی یکی از زوجین به طرف مقابل، قهرهای طولانی و جدی شدن آنها ادامه می‌یابد و در نهایت با خستگی زوجین از قهرها و درگیری‌ها، طلاق عاطفی و طلاق قانونی پایان می‌پذیرد (نبیئی و همکاران، ۱۳۹۹). تعارض در زندگی زناشویی زمانی اتفاق می‌افتد که عدم توافق، ناسازگاری و یا تفاوتی بین زوجین وجود داشته باشد. نحوه کنترل اختلافات زوجین نه تنها پویایی رابطه زناشویی بلکه کل سیستم خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهد (مورال و همکاران؛ ۲۰۲۱). همچنین می‌توان تعارض‌های زناشویی را حاصل از اختلاف نظر زوجین در زمینه اهداف شخصی، انگیزه‌ها، ارزش‌ها و یا اولویت‌های آنها دانست (گائو و همکاران؛ ۲۰۱۹).

امروزه به گونه آشکاری، الگوی «خانواده قدیمی»، دگرگون، و «خانواده جدید» متولد شده است. ظهور فناوری‌های نوین ارتباطی در عصر حاضر و تحولاتی که در فضای مجازی به وجود آمده، بسیاری از کارکردهای خانواده را دچار اختلال کرده است (رحیمی، شکرپیگی، ساروخانی و حضرتی، ۱۳۹۶). استفاده روزافزون از اینترنت و فضای مجازی بتدریج فضای روانی و ارتباطی درون خانواده را خدشه دار می‌کند و اعضای خانواده را به واگرایی سوق می‌دهد؛ در این صورت، اگرچه اعضای خانواده ظاهراً در فضای مشترکی زندگی می‌کنند، تعامل عاطفی و سازنده‌ای با یکدیگر ندارند. آمارها نشان می‌دهد که اعتیاد به اینترنت ممکن است به فروپاشی نظام خانواده، طلاق عاطفی و در نهایت طلاق قانونی بینجامد (گندمی، ۱۳۸۹).

در تحقیقات انجام شده در سال‌های اخیر درباره علل و عوامل مؤثر بر طلاق به وفور به مسائلی چون اعتماد ناشی از افتراء، تهمت، بدبینی، سردی یا کاهش اعتماد بین زوجین اشاره شده است که فضای آنلاین هم به افزایش این عوامل دامن می‌زند. بدون تردید وفاداری بستر شکل‌گیری اعتماد به شمار می‌آید، اما بودن در فضایی که هیچگونه محدودیت و قید و شرطی ندارد، به خیانت و نداشتن وفاداری می‌انجامد (رودریگاز، لویز و پریرا؛ ۲۰۱۶). گرچه شبکه‌های مجازی برقراری روابط مجازی افراد سرتاسر جهان را تسهیل می‌کند، از طرفی گستره روز افزون این نوع روابط منجر به افزایش نگرانی‌ها در سال‌های اخیر شده است. گزارش‌ها حاکی از آن است که روابط در شبکه‌های مجازی زیاد از حد و بدون مرز به اعتماد زوجین آسیب جدی وارد کرده و زمینه خیانت‌های زناشویی و در نتیجه طلاق و جدایی را ایجاد می‌کند (شجاعی جشوقانی و همکاران، ۱۳۹۷).

¹ - Yang and et al.

² - Mahoney

³ - Zhou & Buehler

⁴ - Ali and et al.

⁵ - Moral and et al.

⁶ - Gao and et al.

⁷ - Roudigas, Lopez & Pereira

طلاق عاطفی نیز از جمله عواملی است که در اثر استفاده فضای مجازی به عنوان تفریح و سرگرمی و یا رفع نیازهای جنسی به وجود می‌آید. در طلاق عاطفی اگرچه ممکن است زن و شوهر با هم مانند یک گروه اجتماعی ادامه دهند، اما جاذبه و اعتماد آنها نسبت به یکدیگر از بین می‌رود و زن و شوهر به دلیل احساس غمگینی و ناامیدی، دیگری را آزاد می‌دهند (متدینو، ۲۰۱۵).

بسیاری از مطالعات موجود نشان می‌دهد زوجینی که در رابطه خود تنهایی و سردی عاطفی بیشتری احساس می‌کنند، میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی به عنوان تفریح و سرگرمی در آنها بیشتر بوده است؛ به طوری که می‌توان اظهار داشت، در سده بیست و یکم، استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی به عنوان تفریح و سرگرمی در آنها بیشتر بوده است؛ به طوری که می‌توان اظهار داشت، در سده بیست و یکم، استفاده از شبکه‌های اجتماعی یکی از عواملی است که سبب آشفتگی تعهدات میان زوجین می‌شود (کیم و همکاران، ۲۰۱۴).

فریبرز و همکاران (۱۳۹۹) به بررسی جامعه‌شناختی رابطه اعتیاد به شبکه‌های مجازی و طلاق عاطفی زوجین را در شهر تهران پرداختند. آن‌ها در پژوهشی کمی و پیمایشی و با مطالعه ۴۰۳ تن از متاهلان تهرانی، که به فضای مجازی دسترسی داشتند، نشان دادند رابطه آماری مستقیم بین متغیرهای مستقل اعتیاد اینترنتی و متغیر وابسته طلاق عاطفی با ضریب تاثیر ۰/۱۶ وجود دارد.

عربی (۱۳۹۶) در پژوهش خود بیان می‌کند که استفاده نادرست از فضای مجازی موجب سست شدن بنیاد خانواده‌ها و طلاق عاطفی زوجین و کم‌رنگ شدن صمیمیت میان اعضای خانواده و همچنین گسترش شکاف نسلی را فراهم کرده است.

رضایی (۱۳۹۹) در پژوهش خود اظهار می‌دارد، اینترنت و فضای مجازی به تدریج فضای روانی و مرزهای داخل خانواده را خدشه‌دار می‌کند و اعضای خانواده را به واگرایی سوق می‌دهد. در پژوهش شجاعی جشوقانی و همکاران (۱۳۹۷) آسیب‌های بین فردی برآمده از حضور فرد در فضای مجازی عبارتند از: عبور از مرز تعهد جنسی و به وجود آمدن مشکلات جنسی، خطاهای شناختی در رابطه جنسی با همسر، هرزه‌نگاری و تغییر ذائقه جنسی.

یانگ (۱۹۹۷) بیان میدارد افزایش تنهایی با کاهش در پیوندها و ارتباطات اجتماعی زندگی واقعی به خصوص با همسران با افزایش استفاده از اینترنت و فضای مجازی مطابقت دارد. کرات (۲۰۱۰) دریافت که استفاده بیشتر از اینترنت و فضای مجازی با پیامد کاهش ارتباطات خانوادگی همراه بوده است و استفاده زیاد از اینترنت و فضای مجازی برای اهداف ارتباطی نیز با کاهش مقدار چرخه ارتباط اجتماعی، محلی و راه دور همراه خواهد بود.

در این راستا، سؤال پژوهش حاضر این است که آیا وابستگی به فضای مجازی با طلاق عاطفی زنان دارای تعارض زناشویی رابطه معناداری دارد؟

۲- روش‌شناسی پژوهش

هدف این پژوهش بررسی رابطه وابستگی به فضای مجازی با طلاق عاطفی در زنان دچار تعارض زناشویی در شهر خمین بود لذا پژوهش حاضر از نظر هدف، در زمره تحقیقات کاربردی قرار دارد. از لحاظ ماهیت توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش کلیه زنان دارای تعارض زناشویی و مشکلات عاطفی مراجعه کننده به مشاوره در شهر خمین در سال ۱۴۰۲ بود. حجم نمونه در این پژوهش در رگرسیون با روش گرین، تعداد ۱۱۰ تن انتخاب شد. برای زنان دارای تعارض زناشویی و مشکلات عاطفی، تعداد نمونه از روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شد. در ادامه، به منظور جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز، از پرسشنامه‌های زیر استفاده شد:

پرسشنامه استاندارد طلاق عاطفی

برای سنجش مقیاس طلاق عاطفی از پرسشنامه رزاقی (۱۳۸۶) استفاده شده که دارای ۲۲ گویه با ۵ مقدار است (همیشه ۴، بیشتر اوقات ۳، گاهی اوقات ۲، به ندرت ۱، هرگز ۰)؛ حداقل و حداکثر این مقیاس بین ۰ تا ۸۸ بود. افرادی که نمره بالاتر از ۴۰ می‌گیرند بیشتر

¹ - Emotional divorce

² - virtual space

³ - Motataianu

⁴ - Kim and et al.

⁵ - Krat

احساس طلاق عاطفی می کنند. در پژوهش رشید و مرادی (۱۳۹۵) برای سنجش روایی مقیاس طلاق عاطفی از روش روایی محتوایی و روایی عاملی استفاده شد. ضریب پایایی این مقیاس با کمک ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۸ و با استفاده از روش دو نیمه برابر با ۰/۹۷ به دست آمد که ضریب پایایی بسیار بالا و مناسبی را نشان داد.

پرسشنامه وابستگی به فضای مجازی

برای این منظور از مقیاس وابستگی فضای سایبری یانگ (IAT) که توسط کیمبرلی یانگ در سال ۱۹۸۸ ایجاد شد، استفاده شده است. این مقیاس دارای ۲۰ گویه است و هدف آن سنجش میزان اعتیاد به اینترنت در افراد مختلف است. محدوده پاسخ آن لیکرت و پنج درجه است. نحوه امتیاز دهی به این پنج گزینه به ندرت، گاهی اوقات، اغلب، بیشتر اوقات و همیشه از ۱ تا ۵ است. به منظور بررسی فرضیه های پژوهش از آزمون تحلیل رگرسیون خطی تک متغیره با بهره گیری از نرم افزار آماری SPSS استفاده شد.

۳- یافته های پژوهش

فرضیه پژوهش: وابستگی به فضای مجازی می تواند طلاق عاطفی در زنان دچار تعارض زناشویی در شهر خمین را پیش بینی کند. از آنجایی که در فرضیه حاضر قصد بررسی پیش بینی پذیری طلاق عاطفی (متغیر ملاک) بر اساس متغیر وابستگی به فضای مجازی (متغیر پیش بین) مدنظر می باشد، از آزمون تحلیل رگرسیون تک متغیره استفاده می شود. پیش از اجرای این تحلیل وجود همبستگی خطی معنادار بین متغیر پیش بین و ملاک از طریق ضریب همبستگی پیرسون بررسی می شود. در ادامه جدول نتایج ضریب همبستگی پیرسون بین دو به دو متغیرهای پژوهش گزارش می شود.

جدول ۱. نتایج ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرهای طلاق عاطفی و وابستگی به فضای مجازی

متغیر	میانگین	انحراف معیار	ضریب همبستگی پیرسون	درجه آزادی	سطح معناداری
طلاق عاطفی	۴۲/۷۰	۱۳/۴۵	۰/۳۶۹	۱۴۰	۰/۰۰۱
وابستگی به فضای مجازی	۶۱/۹۰	۱۴/۲۸			

همانگونه که در جدول (۱) ملاحظه می شود، ضریب همبستگی میان طلاق عاطفی و وابستگی به فضای مجازی به لحاظ آماری معنادار و مثبت است.

جدول ۲. خلاصه نتایج آمارهای مربوط به برازش مدل رگرسیونی پیش بینی طلاق عاطفی بر اساس وابستگی به فضای مجازی

منابع تغییر	درجه آزادی	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	نسبت F	سطح معناداری	R	R ²	خطای استاندارد برآورد
رگرسیون	۴۱۱۵/۲۲	۱	۴۱۱۵/۲۲					
باقیمانده	۲۵۷۸۴/۱۵	۱۳۸	۱۷۹/۲۳	۲۱/۸۸	۰/۰۰۱	۰/۱۳۵	۰/۳۶۹	۱۳/۴۱
کل	۲۸۸۶۴/۶۰	۱۳۹						

با توجه به نتایج جدول (۲) ضریب همبستگی چندگانه بین متغیر پیش بین و متغیر ملاک (طلاق عاطفی) برابر ۰/۱۳۵ است. همچنین مقدار ضریب تعیین (مجذور آر) برابر با ۰/۳۶۹ است، که نشان دهنده میزان واریانس و تغییرات طلاق عاطفی است که توسط متغیر پیش بین تبیین می شود.

همچنین معناداری آماره F بدست آمده نشان می دهد متغیر پیش بین قادر است تغییرات مربوط به طلاق عاطفی را به خوبی تبیین کنند و نشان دهنده مناسب بودن مدل رگرسیونی ارائه شده است. در ادامه ضرایب غیر استاندارد و استاندارد متغیر پیش بین و معناداری این ضرایب در جدول (۳) آورده می شود.

جدول ۳. ضرایب B و Beta حاصل از تحلیل رگرسیون طلاق عاطفی و وابستگی به فضای مجازی

sig	T	ضرایب استاندارد نشده		مدل
		Beta	B	
۰/۰۰۱	۴/۲۱	-	۱۹/۸۲	ثابت
۰/۰۰۱	۴/۷۲	۰/۳۶۹	۰/۳۵۲	وابستگی به فضای مجازی

طبق اطلاعات مندرج در جدول (۳) ضریب رگرسیونی معنادار به وابستگی به فضای مجازی مربوط می گردد. همچنین با توجه به ستون Beta می توان گفت با تغییر یک انحراف معیار در وابستگی به فضای مجازی، ۰/۳۶۹ انحراف معیار در طلاق عاطفی (در جهت مستقیم) ایجاد می شود.

۴- نتیجه گیری

به منظور بررسی این فرضیه از آزمون تحلیل رگرسیون خطی تک متغیره استفاده شد، به نحوی که طلاق عاطفی به عنوان متغیر پیش بینی شونده یا ملاک و وابستگی به فضای مجازی به عنوان متغیر پیش بینی کننده وارد تحلیل شد. نتایج این تحلیل در جداول (۱) و (۲) آورده شده است. با توجه به معناداری آماره F بدست آمده می توان فرضیه پژوهش را تأیید کرد. متغیر پیش بین که دارای ضریب رگرسیونی معنادار است وابستگی به فضای مجازی (Beta = ۰/۳۶۹) است.

نتایج این پژوهش با یافته های ملکیان و مصلاهی راد (۱۴۰۲) همسو است. نتایج آن ها نشان داد که بین ارتباطات بین فردی در شبکه های اجتماعی و جدایی و فاصله زوجین، احساس تنهایی و انزوا، نیاز به همراهی و بی حوصلگی ارتباط معنادار و مثبتی وجود دارد. هرچه افراد از شبکه های اجتماعی مجازی استفاده کنند و درگیر این فضا شوند، بیشتر اقدام به پنهان کاری و سرد شدن روابط با زوج و دراز مدت باعث ظاهرسازی و ریاکاری بین خود خواهند کرد که در نهایت منتج به طلاق عاطفی می شود. بهادری و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله ای به بررسی ارتباط فضای مجازی با طلاق عاطفی همسران در بین خانواده های منطقه ۸ شهر تهران پرداختند. نتایج پژوهش نشان داده است که، ۹۶ درصد از همسران از فضای مجازی استفاده می کنند و میزان طلاق عاطفی در حد متوسط است. همچنین بین نوع عضویت در فضای مجازی و طلاق عاطفی، و نوع سرگرمی و استفاده از فضای مجازی و طلاق عاطفی همسران رابطه معکوس و معناداری وجود دارد.

در تبیین این یافته می توان چنین گفت برنامه های فضای مجازی با تعریف نادرست از زندگی مشترک، موجب شده تا مفهوم عشق و اعتماد و تعهد به رقابت و سوتفاهم تبدیل شود. استفاده از فضای مجازی برای تفریح، سرگرمی، گفتگو، خودنمایی و دسترسی آسان به اینترنت باعث شده است که زنان اوقات فراغت خود را با سرگرمی در فضای مجازی ازدست داده و روابط خانوادگی، همکاری در خانواده و رضایت زناشویی کاهش پیدا کند، بنابراین، با کاهش رضایت زناشویی، تعارضات زناشویی نیز روز به روز افزایش خواهد یافت. روابطی که از طریق شبکه های مجازی شکل می گیرد و اهداف و محتوایی که دنبال می شود نه تنها بستری برای حل مشکلات زوجین فراهم نمی آورد، بلکه می تواند به تشدید آن کمک کند. به عبارت دیگر، این ابزارها، به تدریج فضای روانی و محیطی گفتگو را خدشه دار می کنند

و اعضای خانواده را به جای همگرایی، به واگرایی سوق می‌دهند، تا جایی که هر عضو خانواده، صرفاً در یک فضای فیزیکی مشترک زندگی می‌کند و کاهش تعامل‌ها، اهداف آن‌ها را نیز نسبت به هم، واگرتر می‌کند. در نتیجه، افراد خانواده به جای ارتباط با یکدیگر که به تقویت پیوندهای عاطفی و انسجام اعضای خانواده منجر می‌شود، با ابزارهای الکترونیکی ارتباط برقرار کرده، ارتباطی که بار عاطفی، احساسی و هیجانی ندارد و این روند در طولانی مدت به طلاق عاطفی منجر می‌شود.

با توجه به نتایج پژوهش مشخص شد که اعتیاد به شبکه‌های مجازی در شکل‌گیری و تسریع فرایند بازاندیشی در زوجین و اختلال در کارکرد عاطفی و روانی آن‌ها منشأ اثر است؛ از این رو، راهکارهای ذیل در قالب مهندسی فرهنگی در سطح جامعه برای خانواده‌ها پیشنهاد میشود:

- برای اینکه افراد خانواده بتوانند با استفاده صحیح از رسانه‌ها آگاهی خود را افزایش دهند با عرضه کتاب و اطلاع‌رسانی به خانواده‌ها از طریق سازمان‌های فرهنگی، سواد رسانه‌ای را در خانواده‌ها گسترش دهند و شرایطی فراهم آید تا هر خانواده ایرانی با خیالی آسوده بتواند از فناوری‌های نوین ارتباطی استفاده کند و از گزندهای آن نیز در امان باشد.
- با توجه به اینکه کاهش ارتباطات عاطفی عامل کشیده شدن بدون حد و مرز زوجین به سوی دنیای مجازی و فضایی غیر از فضای گرم خانواده است، بهره‌گیری از مشاوران و متخصصان حوزه خانواده در خانه‌های سلامت و سراهای محلات از طریق آموزش مهارت‌های ارتباطی به منظور افزایش تفاهم و سازگاری زناشویی و در نتیجه کاهش میزان طلاق عاطفی تأثیرگذار خواهد بود.

منابع

- بهادری، مریم؛ ملکیان، نازنین و هاشم زهی، نوروز. (۱۴۰۰). ارتباط فضای مجازی و طلاق عاطفی همسران. پژوهش‌های جامعه‌شناختی، ۲(۱۵)، صفحه ۲۰۱-۲۱۸
- رحیمی، محمد؛ شکریگی، عالییه؛ ساروخانی، باقر؛ حضرتی صومعه، زهرا. (۱۳۹۶). بررسی جامعه‌شناختی رابطه شبکه‌های اجتماعی مجازی و تغییرات جاری در خانواده‌ها. پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده. سال پنجم. ش ۸.
- رضایی، فاطمه. (۱۳۹۹). بررسی رابطه استفاده آسیب‌زا از تلفن همراه و اعتیاد به اینترنت با طلاق عاطفی معلمان شهر کرمانشاه، رویش روان‌شناسی. ۹(۳)، ۶۹-۷۶.
- شجاعی جشوقانی، ریحانه؛ احمدی علون آبادی، سیداحمد؛ جزایری، رضوان السادات؛ اعتمادی، عذرا. (۱۳۹۷). وا کای معنایی آسیب‌های برآمده از فضای مجازی در روابط بین زوجین در شهر اصفهان، دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، ۱۹(۳)، ۶۲-۷۸
- شریفی رهنمو، سعید؛ سلطانپور، محرم و نقوی، مهدی (۱۴۰۰). پیش‌بینی نگرش به آسیب‌های اجتماعی براساس میزان بهزیستی روان‌شناختی و هیجان‌خواهی در جوانان: انتظام اجتماعی. مطالعات فرهنگی پلیس، ۸(۱)، ۴۷-۵۷.
- صادق خانی، مرجان و صلاحی، علی‌اکبر. (۱۳۹۵). کتاب طلاق عاطفی و اثرات آن بر فرزندان. ویرایش (۱۳۹۵)، تهران: انتشارات آذرفر
- عربی، مهدی. (۱۳۹۶). بررسی رابطه استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی تحت موبایل با طلاق عاطفی زوجین (مورد مطالعه مراجعین به مرکز مشاوره آرامش ناجا و دفاتر مددکاری شهر اصفهان در سال ۹۶)، فصلنامه دانش انتظامی اصفهان، شماره ۱۲، ۴۰-۶۳.
- فریبرز، زهرا؛ ساروخانی، باقر و حضرتی صومعه، زهرا. (۱۳۹۹). «بررسی جامعه‌شناختی رابطه اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مجازی و

طلاق عاطفی در خانواده‌های تهرانی». فصلنامه فرهنگی- تربیتی زنان و خانواده، ۱۵(۵۱)، ۱۱۷-۱۵۰.

گندمی، زینب. (۱۳۸۹). بررسی رابطه اعتیاد به اینترنت و ویژگی‌های شخصیتی دانش‌آموزان متوسطه شهرستان کاشان سال تحصیلی ۸۸-۸۹، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی تربیتی، دانشگاه کاشان.

ملکیان، نازنین و مصلاهی راد، سارا. (۱۴۰۲). بررسی رابطه بین ارتباطات میان فردی در شبکه اجتماعی اینستاگرام با طلاق عاطفی در زوجین استان البرز. پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال هفدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۲

نایی، هوشنگ؛ نظریان، شیمما. (۱۴۰۰). تبیین جامعه‌شناختی طلاق عاطفی. مطالعات جامعه‌شناختی (علمی - پژوهشی)، ۲۸(۱)، ۱۶۳-۱۸۱.

نبیئی، آناهیتا؛ حسینی، سعیده السادات؛ کاکابری، کیوان؛ و امیری، حسن. (۱۳۹۹). الگوی معادالت ساختاری در رابطه بین گرایش به طلاق با مهارت‌های ارتباطی و سلامت خانواده اصلی با نقش واسطه‌ای صمیمیت زناشویی و تعارضات زوجین. سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت، ۴(۱)، ۹-۱۷.

Ali, P. A., McGarry, J., & Maqsood, A. (2022). Spousal Role Expectations and Marital Conflict: Perspectives of Men and Women. *Journal of interpersonal violence*, 37(9-10), NP7082–NP7108.

Gao, M. M., Du, H., Davies, P. T., & Cummings, E. M. (2019). Marital Conflict Behaviors and Parenting: Dyadic Links Over Time. *Family relations*, 68(1), 135–149.

Kim, K., Ryu, E., Chon, M. Y., Yeun, E. J., Choi, S. Y., Seo, J. S., & Nam, B. W. (2006). Internet addiction in Korean adolescents and its relation to depression and suicidal ideation: a questionnaire survey. *International journal of nursing studies*, 43(2), 185-192.

Krat. T (2010) *Insight In Psychotherapy*, American Psychological Association. Washington Dc: P.57-81.

Mahoney, A., Pargament, K. I., & DeMaris, A. (2021). Spiritual intimacy, spiritual one-upmanship, and marital conflict across the transition to parenthood. *Journal of Family Psychology*, 35(4), 552–558.

Moral, M. A., Chimpén-López, C. A., Lyon, T. R., & Adsuar, J. C. (2021). The Relationship between Differentiation of Self and Psychological Adjustment to Separation. *Healthcare (Basel, Switzerland)*, 9(6), 738.

Motataianu, I. R. (2015). The relation between anger and emotional synchronization in children from divorced families. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 203, 158-162.

Rodrigues, D. Lopes, D., Pereira M. (2016). Socio sexuality, Commitment, Sexual Infidelity and Perceptions of Infidelity: Data From the Second Love Web Site. *Journal of Family Psychology*, 54 (2), 241-253.

Yang. K (1997) *The Effect Of Parenting Style , Attachment, And Early Maladaptive Schema On Adult Romantic Relationship*. *Journal of Dissertation, Abstracts International*, 56(10-B), 57- 91.

Yang, X., Zhu, L., Chen, Q., Song, P., & Wang, Z. (2016). Parent marital conflict and Internet addiction among Chinese college students: The mediating role of father -child, mother -child, and peer attachment. *Computers in Human Behavior*, 59, 221 -229.



Zhou, N., & Buehler, C. (2019). Marital hostility and early adolescents' adjustment: The role of cooperative marital conflict. *The Journal of Early Adolescence*, 39(1), 5–27